



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

دادرسی فوری و عملکرد قاضی کشیک در حقوق کیفری ایران

یاسر محمدی ورمزیار^۱

چکیده

اصل تسریع در رسیدگی به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی کیفری در جهت رسیدن مطلوب به اهداف اصلی مجازاتها به ویژه جنبه ی بازدارندگی همواره مورد نظر تمامی نظام های حقوقی به ویژه نظام کیفری ایران بوده است. این موضوع به ویژه در مرحله ی تحقیقات مقدماتی و به منظور جمع آوری به موقع دلایل و جلوگیری از فرار متهمین و امحاء دلایل نسبت به مرحله ی رسیدگی و صدور حکم مورد تاکید بیشتری واقع شده است. دادرسی فوری که از آن به دستور موقت نیز تعبیر شده، نوعی از رسیدگی است که سرعت و وارد نشدن در ماهیت دعوا و حذف تشریفات، در آن اصل محسوب می شود و نتیجه آن، نوعی اقدام احتیاطی برای حفظ حقوق است. حقوق دفاعی متهم، به معنای امتیازها، حمایت ها و تضمین های قانونی - قضایی در جریان دادرسی کیفری است. در حقیقت، این حقوق، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی عادلانه لازم است تا متهم از آن برخوردار گردد و بتواند در برابر ادعایی که بر خلاف اصل برائت، علیه او مطرح گردیده است، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع نماید. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی دادرسی فوری و عملکرد قاضی کشیک در حقوق کیفری ایران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: دادرسی فوری، قاضی کشیک، خارج از نوبت، حقوق ایران

۱- مقدمه

پرونده ها و شکایات و جرایم به نوبت و براساس ترتیب بر طبق رویه قانونی رسیدگی میشوند، مگر در مواردی که قانون مقرر کرده که به سرعت بیشتری مورد توجه قرار گیرند که این پرونده ها باید خارج از نوبت و هر چه سریعتر رسیدگی شوند. در این پرونده ها باز پرس باید هر چه سریعتر در جمع آوری دلایلی که موجب ثبوت جرم است تلاش کند و علائم جرم را شناسایی کند. در واقع به اصل سرعت در رسیدگی به برخی از پرونده ها که قانون مشخص می کند توسط بازپرس تاکید می کند. بر این اساس فوریت قضایی نوعی از رسیدگی است که سرعت، عدم ورود در ماهیت دعوا و حذف تشریفات، موضوع اصلی آن است. همچنین یک دادرسی استثنایی است که در موارد خاص انجام می شود. منظور از فوریت های قضایی در حقوق کیفری در واقع الزام قانونی و تکلیف قضایی برای رسیدگی به برخی از پرونده ها مثل

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق، دانشگاه ازاد اسلامی واحد خرم اباد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جریحه دار شدن احساسات عمومی و پرونده هایی از این قبیل در خارج از نوبت بوده که تعیین تکلیف متهمان و برخی پرونده ها در ایام تعطیل و ساعات غیر اداری توسط قاضی کشیک می باشد .

۲- فوریت

مراجع قضایی در مواردی بر حسب درخواست خواهان نسبت به اموری که واجد اهمیت می باشند و جنبه فوری دارند و یا در مواردی که قانون پیش بینی کرده است، به فوریت رسیدگی و اقدام نموده و قراری که جنبه موقتی دارد صادر می کنند این نوع رسیدگی غیر از رسیدگی های ماهوی می باشد

فوریت در لغت به معنای محدود به وقت و امری غیر دائم و زودگذر است. (اردیسیان، ۱۳۸۰: ۱۷) بنابراین آنچه که در مدتی محدود و معین بجا می ماند و سپس زایل شود، و چیزی که وقت آن معین شده باشد. (معین، ۱۳۸۴: ۴۴۲)

منظور از فوریت های قضایی در واقع الزام قانونی و تکلیف قضایی برای رسیدگی به برخی از پرونده ها مثل جریحه دار شدن احساسات عمومی و پرونده هایی از این قبیل در خارج از نوبت بوده و تعیین تکلیف متهمان و برخی پرونده ها در ایام تعطیل و ساعات غیر اداری توسط قاضی کشیک می باشد .

فوریت قضایی نوعی از رسیدگی است که سرعت ، عدم ورود در ماهیت دعوا و حذف تشریفات ، موضوع اصلی آن است . همچنین یک دادرسی استثنایی است که در موارد خاص انجام می شود .

تعدد و پراکندگی مقررات ناظر بر دادرسی های فوری و رسیدگی خارج از نوبت به حدی است که تسلط بر همه آنها دشوار است به نوعی که حتی در قانون اساسی و آیین نامه ها نیز انواعی از رسیدگی خارج از نوبت مشاهده می شود. بحث قوانین ناسخ و منسوخ نیز معضل دیگری ایجاد کرده است. (جلیلود، ۱۳۹۸: ۱۵۵)

اموری که تعیین و تکلیف آن فوریت دارد ، کارهایی است که باید بدون مهلت و به سرعت تکلیف آن تعیین شود . فوریت امری موضوعی است که تشخیص آن به صلاحدید دادگاهی است که به درخواست دستور موقت رسیدگی می نماید واگذار شده است . فوریت وقتی وجود دارد که درخواست دستور موقت پذیرفته نشود ، پیش از اینکه حکم در اصل دعوا صادر شود به متقاضی دستور ، خسارتی خطیر و غری قابل جبران که فوری و قریب الوقوع است وارد خواهد شد . (شمس ، ۱۳۹۱ ، ۹۷)

۳- منظور از رسیدگی خارج از نوبت و ارتباط با اصل دادرسی فوری و فوریت قضایی

رسیدگی خارج از نوبت ، نوعی از رسیدگی است که در آن اولاً سرعت ، ثانياً عدم ورود به ماهیت موضوع و ثالثاً حذف تشریفات در آن اصل است .

در واقع به جهت فراهم ساختن زمینه برای یک تصمیم آنی و فوق العاده و سریع قضایی از این نوع دادرسی بهره گیری می شود ، لیکن آنچه در رویه ی قضایی در دادگستری مسطلع است و در قانون نیز به آن تصریح شده است دستور موقت می باشد . مرجع صالح برای ارائه و رسیدگی خارج از نوبت (دستور موقت) با درخواست دادرسی فوری یا دستور موقت ، در سه زمان قابل تقدیم به دادگاه است :



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- قبل از طرح یا اقامه ی دعوا ی اصلی ، که در این صورت مرجع صالح دادگاهی می باشد که صلاحیت رسیدگی به اصل را دارد

۲- در زمان ارائه ی دادخواست دعوی اصلی درخواست فوری صورت می گیرد

۴- دادرسی فوری یا خارج از نوبت

در خصوص ارتباط رسیدگی خارج از نوبت با اصل تسریع و فوریت باید گفت : ملاک فوریت ، خطری است که حق صاحب دعوی را تهدید می کند . به نحوی که هر گاه فوراً آن حق حفظ نشود و به آن حق رسیدگی نشود ، جبران آن در آتیه غیر ممکن یا متعذر باشد و به هر حال اگر دادگاه موضوع را فوری تشخیص ندهد و به آن خارج از نوبت رسیدگی نکند باید جهت آن را در تصمیم خود قید نماید . (مردانی، ۱۳۸۹ ، ۱۲۶)

البته اینکه اعلام گشته که هر گاه دادگاه موضع را فوری تشخیص ندهد باید جهت آن را در تصمیم خود قید نماید . جای تامل دارد و باید قائل به تفصیل شد ، زیرا فوریت امری وجودی است که اثبات شرط حدوث و تحقق آن محتاج دلیل است . بنابراین در اکثریت موارد همین اندازه که این شرایط احراز نگردد و یا خواهان قادر به اثبات آن نباشد و موضوع هم از اموری نباشد که تحقیق و استعلامات مربوط به آن بر عهده و تکلیف قانونی دادگاه قرار گرفته باشد ، دادگاه صرفاً به جهت عدم احراز فوری بودن امر درخواست متقاضی را رد خواهد نمود اما در مورد بسیار استثنایی که حسب رویه ی قضایی در موارد مشابهی اقدام به صدور دادرسی فوری یا دستور موقت شده و متقاضی نیز به واقع شرایط حدوث و تحقق فوریت را به اثبات رسانده ولی دادگاه رسیدگی کننده بنا به دلایلی نخواهد از این رویه تبعیت کند بهتر است با لحاظ موضوع دعوی اصلی و جهاتی که به نظر او فوریت را منتفی کرده یا از اثر می اندازد مستدلاً به ذکر این جهات بپردازد و سپس بر این پایه و اساس درخواست متقاضی را به علت فقدان فوریت رد کند .

۴- فوریت قضایی و دادرسی فوری

در مواردی که نیازمند توجه فوری باشد با قواعد دادرسی فوری رسیدگی و اتخاذ تصمیم می شود. منظور از فوریت در دادرسی فوری از مواردی است که اگر به سرعت راجع به آن اخذ تصمیم نشود، بعداً سبب ورود خسارت فراوانی خواهد شد که جبران ناپذیر خواهد بود و اگر رسیدگی به تأخیر بیافتد موضوع حق از بین می رود. (واحدی ۱۳۸۶ ، ۱۳۰)

منظور از فوریت های قضایی در واقع الزام قانونی و تکلیف قضایی برای رسیدگی به برخی از پرونده ها مثل جریحه دار شدن احساسات عمومی و پرونده هایی از این قبیل در خارج از نوبت بوده و تعیین تکلیف متهمان و برخی پرونده ها در ایام تعطیل و ساعات غیر اداری توسط قاضی کشیک می باشد .

فوریت قضایی نوعی از رسیدگی است که سرعت ، عدم ورود در ماهیت دعوا و حذف تشریفات ، موضوع اصلی آن است . همچنین یک دادرسی استثنایی است که در موارد خاص انجام می شود .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

طبق ماده ۴۷ هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد.

ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان یا قاضی کشیک اعلام می کنند و دادستان یا قاضی کشیک نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می کند. (چکندی نژاد و کریم زاده، ۱۳۹۹، ۹۰) اگر جرم ارتكابی از جمله جرایم مشهود باشد باید تمام اقدامات لازم را برای «حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می آورند، تحقیقات لازم را انجام میدهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان میسرسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج میکنند.» (هدایتی چنایی، ۱۴۰۰، ۴۲)

جرم هنگامی مشهود به حساب می آید که در دیدگان ضابطان دادگستری واقع شود و یا بلافاصله پس از وقوع جرم ماموران در محل وقوع حادثه حاضر شده و یا آن که بلافاصله پس از وقوع جرم آثار آن را مشاهده کنند و یا این که آثار و علایم ارتكاب جرم یا اسباب و دلایل جرم در دست متهم پیدا شود و یا آن که تعلق این آلات و ادوات به متهم ثابت شود. همچنین در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار دستگیر شود. در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم و ورود مامورین را به خانه تقاضا کند و اگر ضابطان به وقوع جرمی مشکوک باشند یا این که اطلاعات آنها از وقوع جرم از منابع معتبر و موثقی نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی باید تحقیقات لازم را در مورد درستی یا نادرستی موضوع به عمل بیاورد.

ضابطان دادگستری باید در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می کند نسبت به انجام دستور و تکمیل پرونده اقدام کند.

گزارش ضابطان در صورتی برای قاضی اعتبار دارد که موثق و مورد اعتماد باشد پس از ورود مقام قضایی ضابطان تحقیقاتی را که انجام داده اند به وی تسلیم می کنند و دیگر حق مداخله در انجام تحقیقات را ندارد مگر به دستور مقامات قضایی. همچنین ضابطان نمی توانند به بهانه اینکه متهم مخفی شده یا معین نیست یا دسترسی به او مشکل است تحقیقات خود را توقف خود را متوقف سازند (معاونت آموزش قوه قضایه، ۱۳۸۸، ص ۲۲۵)

در ماده ۴۷ تکالیفی را برای ضابطین و تکلیفی را برای مقامات قضایی تعیین نموده است که به نظر می رسد از نظر اجرایی در داخل شهرها، بخش ها به خصوص مناطق دور دست کشور و پاسگاه های مرزی که در حال حاضر هنوز بعضا فاقد جاده های مرزی قابل قبول هستند و امکانات مخابراتی آنها نیز مطابق وضع جاده آنهاست یا تکلیف نیروهای ضابط به اعلام وضعیت متهم به قاضی کشیک حداکثر ظرف مدت یک ساعت، و حضور قاضی کشیک در محل تحت نظر متهم امری کاملا ذهنی است، و بجای آن می توانستند بگویند در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت، موضوع، به اطلاع قاضی برسد. زیرا اطلاع رسانی ضابطین به دادستان در این مناطق، آن هم ظرف یک ساعت در مرحله اجرا قابل عمل نیست، و از طرفی بررسی از راه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دور توسط قاضی، و حضور مقام قضایی در این اماکن و با این سرعت امکان پذیر نخواهد بود بنابراین بازنگری این ماده قانونی بر مبنای واقعیات موجود می تواند کمکی به نیروهای ضابط باشد و (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۷۱-۷۲)

اما این ماده موید این مطلب است که تحت نظر قرار دادن متهم در جرایم مشهود، باید با اطلاع دادستان صورت گیرد و در صورت مخالفت دادستان، ادامه بازداشت امکان پذیر نیست. (فتحی و زارع، ۱۴۰۰، ۶۱۶)

۵- مبانی پذیرش و تاکید بر تسریع و فوریت در دادرسی های کیفری

قوانین و مقررات آیین دادرسی کیفری لازم الرعایه می باشند و در مقام رسیدگی باید، تعلیمات و ترتیبات آن اعم از اصول، مبانی و مقررات مزبور در قانون را مورد توجه قرار دهد در این میان رسیدگی هایی هستند که قانونگذار جهت شرایط و اوضاع حاکم بر آن که بیشتر جنبه ی تشریفاتی داشته و به اصطلاح دست و پاگیر می باشند را لازم ندانسته، و رعایت مقرراتی که بیشتر برای نظم و امنیت جامعه و رعایت حقوق طرفین دعوا می باشد را مد نظر قرار داده و تاکید بر تسریع در رسیدگی و فوریت را دارد. که در این بخش به مبانی پذیرش و تاکید بر رسیدگی فوری را مورد بررسی قرار می دهیم.

۵-۱- ضرورت اعاده فوری و نظم و امنیت به جامعه

امنیت در مفهوم عینی خود، به معنای عدم تهدید در برابر ارزش های کسب شده و در معنای ذهنی خود، به مفهوم فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش ها، تعریف شده است. (قربانی، ۱۳۹۴: ۴۰)

تردید نیست که برای حفظ امنیت جامعه و حفظ امنیت و حقوق افراد آن ضوابط و معیارهایی لازم و ضروری است. فقدان این ضوابط و معیارها و ضمانت های اجرایی آن باعث ناامنی جامعه و تضییع حقوق افراد جامعه انسانی، است امروزه بشریت تماما متوجه این مهم گردیده و بلکه تدوین مقررات خاص برای حفظ حقوق حیوانات و نباتات را نیز ضرورت اجتناب ناپذیر بقا هستی می داند. تنظیم روابط بین افراد و تنسيق این امر با تعیین و ایجاد ضمانت اجرایی برای آن صورت می گیرد که در حالتی خاص تخطی از این ضوابط و مقررات جرم محسوب شده و برای آن مجازات تعیین گردیده است.

به همین علت، آیین دادرسی کیفری، بستر اعتدال میان آزادی شهروندان و امنیت دولت محسوب می گردد. آیین دادرسی کیفری، تبلور عینی این دو مهم در جامعه شناخته می شود و همواره تقابل و توازن میان آن ها، در پرتو اندیشه های حاکمان یک کشور، در بستر مقررات آیین دادرسی کیفری و رویه قضایی حاکم بر آن، رخ می نماید.

از این روست که در فرآیند دادرسی های کیفری، بر مبنای تضمین امنیت شهروندان قواعد و اصول ناظر بر جریان رسیدگی های قضایی و اصول ناظر بر مرجع قضایی مورد توجه و پیش بینی قرار گرفته است.

۵-۲- رعایت حقوقی دفاعی متهم

حقوق دفاعی متهم، به معنای امتیازها، حمایت ها و تضمین های قانونی - قضایی در جریان دادرسی کیفری است. در حقیقت، این حقوق، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی عادلانه لازم است تا متهم از آن برخوردار گردد و بتواند در برابر ادعایی که بر خلاف اصل براءت، علیه او مطرح گردیده است، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع نماید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اطلاع از ماهیت و سبب اتهام، به ویژه در مرحله بازپرسی و تحقیقات مقدماتی، یکی از حقوق بنیادین متهم است که در قوانین به رسمیت شناخته شده است. این حق، رابطه بسیار نزدیکی با حق متهم دارد، زیرا بدون آگاهی کامل متهم از جزئیات و نوع اتهام، امکان تدارک دفاع به طور کامل و اجرای حقوق بعدی وجود نخواهد داشت. بنابراین، آگاه سازی متهم از اتهام و حقوق دفاعی خود، استفاده از خدمات و مساعدت های حقوقی - قضایی، در جریان دادرسی کیفری و همچنین، استماع شهود و مصونیت از خود اتهامی، به عنوان بارزترین جلوه های حقوقی دفاعی متهم هستند.

بنابراین به محض دستگیری متهم و ورود او در فرآیند دادرسی کیفری و قبل از هر گونه اقدام و تحقیق و بازپرسی از او، ابتدا باید وی را از اتهام انتسابی آگاه ساخت و سپس حقوق دفاعی مربوط به متهم را به او گوشزد کرد. (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۹۰)

تصمیم اتهام اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه متهم از سوی قاضی تحقیق، به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد. در واقع آگاه سازی متهم از موضوع اتهام و دلایل آن، زمینه استفاده متهم از دیگر حقوق دفاعی او، به ویژه استفاده از خدمات و مساعدت های حقوقی و مصونیت از خود اتهامی فراهم می آید. چرا که تفهیم اتهام از یک سو، حسن جریان بازپرسی را تضمین و چارچوب تحقیقات را ترسیم می نماید و مانع از پرداختن به اعمال، اوصاف حقوقی و پرسش هایی می گردد که خارج از اعلام رسمی جرم و تفهیم اتهام بوده و از سوی دیگر، چارچوب حقوقی دفاعی متهم و نحوه تدارک دفاع را ترسیم میکند.

در واقع حق برخورداری متهم از فرصت و امکانات کافی جهت آماده کردن دفاع مستلزم آن است که متهم فوراً و به نحو قابل فهم و به طور مشخص از اتهام آگاه شود؛ به این منظور نه فقط ماهیت اتهام باید معین گردد، بلکه ادله موضوعی و حکمی مبنای اتهام باید بیان گردد. (تدین، ۱۳۹۲: ۱۸۰)

بر اساس مقررات آیین نامه دادرسی و ادله دیوان، متهم از محتوای کیفرخواست آگاهی یافته و در جلسه استماع مربوط به تأیید کیفرخواست در شعبه مقدماتی نیز حضور می یابد.

از فحوای بند (ج و د) ماده ۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می توان دریافت که مقامات قضایی مکلفند تا اطلاعات مربوط به حقوق دفاعی متهم را به وی ارائه نمایند. بنابراین یکی از مبانی حق تفهیم اتهام به متهم را می توان در حق او برای دریافت اطلاعات مشاهده کرد.

هدف از پیش بینی این امتیازات، حمایت از حقوق متهم در فرآیند دادرسی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی است. شناخت این حقوق و تفهیم آنها به محض دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن متهم، جدای از این که از آثار اصل برائت می باشد، از به اتهام کشیدن متهم توسط خود جلوگیری به عمل می آورد.

تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۵۲ این قانون تفهیم حقوق دفاعی متهم به این صورت تأکید نموده اند که هر گاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. یکی دیگر از جلوه های مهم رعایت حقوقی دفاعی متهم در راستای تضمین عادلانه بدون دادرسی، امکان استفاده از خدمات و مساعدت های حقوقی - قضایی در فرآیند دادرسی کیفری خواهد بود. چرا که تدارک یک دفاع مطلوب و پاسخ به ادعاهای دادستان، در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بدو امر، محتاج آگاهی و اطلاع از اتهام و سپس برخورداری از توانایی دفاع خواهد بود. متهم در برابر مقام تعقیب معمولاً از توانایی کمتری برخوردار است. و اصل تساوی سلاح‌ها و رعایت حقوقی دفاعی او ایجاب می‌نماید که وی از یک سو، حق دسترسی به وکیل و مشاور حقوقی را داشته باشد و از سوی دیگر، هر گاه متهم، زبان مرجع قضایی را درک نکند یا در ارتباط با آن دچار اشکال شود و یا امری فنی و تخصصی مطرح باشد که نیازمند اظهار نظر اهل فن است، از مساعدت مترجم و کارشناس بهره‌مند گردد.

بر اساس مواد ۴۸ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات ابتدایی و مقدماتی یک نفر وکیل داشته باشد که این حق باید پیش از شروع تحقیق به متهم ابلاغ و تفهیم گردد و سلب آن یا عدم تفهیم این حق، موجب بی‌اعتباری تحقیقات خواهد بود.

۵-۳ - جلوگیری از تضییع حقوق بزه دیده

نخستین اقدام حمایتی که باید از قربانی جرم بعمل آید، تضمین برخوردی منصفانه از رهگذر رفتاری محترمانه با اوست. این رفتار برجسته‌ترین نمود و در واقع سنگ بنای حقوق انسانی و اخلاقی بزه دیده است که بر اساس آن، رفتار با بزه دیده گان باید با همدردی و احترام به شان آنان همراه باشد. منظور از رفتار کرامت مدار با بزه دیده، رفتار همراه با احترام، گرمی داشتن و متناسب با موقعیت انسانی و توأم با رعایت شان انسانی اوست. هر گاه بزه دیده، نتواند دادخواهی کند یا در فرآیند عدالت کیفری به حاشیه رانده شود و نقش فعالی به وی اعطا نشود، در واقع مورد ناملایمات جدید و حتی بزه دیدگی قرار گرفته است. چرا که وقتی که نیازهای وی نادیده گرفته شود و در جهت جبران آسیب‌های مادی و معنوی وی کاری در خور شان و موقعیت وی و متناسب با آسیب‌های وارده انجام نشود، کرامت وی رعایت نشده است. (شیری، ۱۳۸۶: ۱۸)

اهمیت رعایت کرامت و ارزش والای انسانی به صراحت در بند ۶ اصل دوم قانون اساسی، اشاره شده و همچنین در بند ۴ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی رعایت اخلاق و موازین اسلامی و در مواجهه با دادخواهان یعنی بزه دیدگان مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین بر اساس ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حقوق بزه دیده گان در فرآیند دادرسی کیفری باید رعایت و تضمین گردد و بر اساس ماده ۷ این قانون، در تمام مراحل دادرسی کیفری حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است.

رفتار محترمانه و عاری از هر گونه تبعیض با بزه دیده، یکی از حقوق انسانی و اخلاقی او محسوب می‌گردد که او را به عنوان یک انسان، شایسته احترام قرار می‌دهد. آن گاه که انسانی دچار بزه دیدگی می‌گردد یا قابلیت بزه دیدگی و آسیب پذیری بالایی دارد، نیاز به تکریم بیشتری داشته و همه افراد و دست‌اندرکاران سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی که در سطح ملی به گونه‌ای با بزه دیده در ارتباط هستند، باید این امر را همواره رعایت کنند.

در خصوص رعایت اصل احترام به بزه دیدگان و رعایت کرامت آنان در بند ماده ۱۸ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان، اشاره شده است که واحد رسیدگی به امور بزه دیده گان و شهود به منظور اجرای کارآمد و موثر وظایف خود، آموزش‌های لازم را به کارکنان خود برای تضمین امنیت و حفظ و رعایت شان قربانیان جرایم می‌دهند. در این چارچوب، بند ۵ ماده ۸۸ آیین‌نامه، بر رعایت حریم خصوصی بزه دیدگان و احترام به آنان تاکید می‌نماید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵-۴ - توجه به اهداف اصلی مجازات ها

اگر بررسی رویداد و وضع بزهکار ثابت کند که جرم با تمام عناصر تشکیل دهنده آن تحقق یافته است، دادرس دادگاه باید کیفری برای این فعل تعیین کند. در روزگار ما، مقصود از کیفر هم پیشگیری از وقوع جرم و هم تنبیه بزهکار است در مباحث زیر ملاحظه می شود که این واکنش صرفاً سرکوبنده است. بنابراین اهداف هر یک از مجازاتها و اقدامات تأمینی راهنمای تشخیص مناسبی برای شناسایی طبع هر یک از این دو سلاح مقابله با بزهکاری در زرادخانه کیفری است. به طور کلی اهداف اصلی مجازاتها موارد زیر را شامل می شود:

الف - ارعاب یا بازدارندگی: از بازدارندگی کیفر به معنای ترساندن مرتکب یا دیگران از تکرار یا ارتکاب جرم در نتیجه اعمال کیفر بر یک مرتکب، به عنوان یکی از اهداف کیفر یاد شده است در یک تحلیل دقیق تر، شاید بهتر باشد که ارعاب را یک شیوه یا ابزار برای رسیدن به هدف کلی کلان یعنی پیشگیری یا کاهش جرم نامید. (عباسی، ۱۳۹۵، ۷)

ب - پیشگیری از وقوع و تکرار جرم: اقدام پیشگیرانه تدابیری است که قهر آمیز یا سرکوبگر نباشد. بنابراین ضمانت اجرای کیفری، چه با سزادهی یا اصلاح یا باز پروری و... از گستره مفهوم جرم شناسانه خارج است.

ج - سزا دادن: ساده ترین و ابتدایی ترین و شاید در نظر اغلب مردم، بدیهی ترین هدف برای کیفر و در نتیجه توجیه نظام کیفری همانا سزا دادن مرتکب و سلب توان او برای ارتکاب جرم است. البته قبول سلب توان کردن از مرتکب و سزادادن وی از بدیهی ترین اهداف و آثار کیفر به مبالغه نزدیکتر است تا به واقعیت. آن را می توان امروزه در اجرای مجازات قصاص مشاهده کرد.

د - اصلاح مجرم: اندیشه اصلاح مجرم در هدف گذاری کیفر، از نوآوری های عصر کنونی به شمار نمی رود بلکه رگه های آن را در اصول حقوق جزای قرون وسطی و حتی پیش تر از آن نیز می توان یافت.

ه - ناتوان سازی کردن: یکی از انگیزه های مجرم به خصوص مجازات اعدام و زندان « قصد محروم کردن و ناتوان سازی مجرمان از قدرت انجام شرارت بعدی است » هر چند این صحیح است که مجرم در حالی که زندانی شده است، نمی تواند همچنان به جامعه آسیب برساند، لیکن با توجیه مجازات مبتنی بر ناتوان سازی، اشکالات متعددی وارد است. (امینی زاده، ۱۳۹۳، ۶۳)

۶-موارد دادرسی فوری و عملکرد قاضی کشیک در قوانین کیفری

۶-۱ - تاکید بر اقدامات فوری خارج از اوقات اداری

اگر تحقیقات جرم به فوریت انجام نشود چه بسا در بعضی موارد آثار و علائم جرم محو گردیده و یا متهم به جرم نقشه خود مبنی بر فرار را عملی ساخته و یا مخفی گردد. بدیهی است با تحقق این فرض، تدارک آثار و علائم جرم غیر ممکن و یا با صعوبت و سختی همراه خواهد بود. برای پرهیز از دچار شدن به چنین وضعیتی مقتضی است که تحقیقات مقدماتی به وقت اداری محدود نگردیده و آن دسته از جرائم یا متهمانی که استعداد و ظرفیت لازم برای امحای دلایل و آثار را دارند در خارج از وقت اداری مورد تحقیق یا تعقیب قرار گیرند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بنابراین ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را خارج از اوقات اداری قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضا شاکی می رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند

با توجه به بخشی از ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری که بیان می دارد: « هرگاه فردی خارج از وقت اداری به علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود...» و در پاسخ به اینکه « اعلام » باید تلفنی یا مکتوب باشد باید گفت قاعدتا همه ی این اعلام ها و اطلاعات و حتی گرفتن مجوزها باید کتبی باشد .

رویه قضایی نیز در اغلب موارد به این صورت است که اگر این اعلام ها در خارج از ساعات اداری یا در روزهای تعطیل باشد و نیز در مواردی که قضات کشیک حضور ندارند، اگر مسئله دارای اهمیت و جدیت خاصی بوده و ضابطین دادگستری نیز داشته باشند که به سرعت موضوع را پیگیری کنند، مانند پرونده های قتل، معمولاً به صورت تلفنی مجوز داده می شوند. به عنوان مثال، تاکنون برای گرفتن مواردی مانند حکم جعل یا دستور ورود به منزل، قانون الزام کرده بود که این اقدام باید با مجوز دادسرا باشد اما همان طور که گفته شد در موارد دارای اهمیت و فوریت بسیار که دریافت مجوز از مقام قضایی برای ضابطین دادگستری امکان پذیر نیست، معمولاً ضابطین خود وارد عمل شده و پس از آن مجوز کتبی اخذ کرده و همراه با تاریخ و ساعت مقدم، بر روی پرونده قرار می دهند. البته این موضوع در اغلب موارد مربوط به پرونده هایی است که ضابطین بر اساس رویه قضایی اطلاع دارند که مقام قضایی حتماً مجوز لازم را به آنها خواهد داد. مثالی که می توان به آن اشاره کرد، مربوط به پرونده های مواد مخدر است که ضابطین ممکن است به طور ناگهانی از خرید و فروش مواد مخدر مطلع شوند و در صورت در دسترس نبودن بازپرس یا دادستان، رد محل جرم حاضر شده و بعداً مجوز مورد نیاز را از دادستان دریافت کنند. دژ پسند، ۱۳۸۲: ۲۴۱) با اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری، به این موضوع تصریح شده است که « مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود » اما در عمل، این اقدام و پیگیری به صورت تلفنی یا احتمالاً از طریق شبکه ملی عدالت بوده که در قانون آیین دادرسی الکترونیکی به آن اشاره شده و چیزی شبیه اتوماسیون اداری است.

۶-۲ - پذیرش شکایت در تمامی اوقات

هر کسی که به واسطه ی وقوع جرمی، شکایتی داشته باشد، شکایت خود را باید در نزد ضابطان دادگستری یا دادستان ارائه کند. و بنا به رعایت اصل سرعت در فرآیند دادرسی و دقت و امعان نظری که قانونگذار به این مهم داشته است، در موارد فراوان به ضابطین دادگستری تکلیف نموده که در تمام اوقات اداری شکایت را قبول کنند و باید اقداماتشان فوری انجام می گیرد و در اختیار مقامات قضایی قرار دهند براساس قانون آیین دادرسی کیفری، هم دادستان و هم ضابطان دادگستری موظف اند شکایات کتبی یا شفاهی را همه وقت و در تمامی اوقات شبانه روز، قبول کنند. برای طرح شکایت، شاکی باید به دادسرای مراجعه کند که جرم در آن حوزه رخ داده است. و با شکایت شاکی، دادسرا موظف به رسیدگی می شود و نمی تواند از رسیدگی به آن امتناع کند.

ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می دارد:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می رسد. هر گاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورتمجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورتمجلس تصدیق می شود.

۶-۳ - اقدامات فوری در جهت جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم

متهمین به ارتکاب جرم همیشه سعی می کنند که از چنگال عدالت فرار کرده و اجرای مجازات را غیر ممکن سازند. بنابراین در این که سعی دارند آثار و علائم و دلایل جرم را محو نمایند و از دید مامورین خارج سازند سعی می کنند خود را مخفی کنند یا اقدام به فرار نمایند. و یا در بعضی از موارد متهم خود را پنهان می کند و یا فرد دیگر وی را پنهان می نماید تا مانع دستگیری متهم توسط مامورین گردد یا وسیله فرار وی را فراهم می نماید.

گاهی ممکن است متهم در مسافرت باشد یا بر حسب کسب و کار و یا به علت داشتن خویشاوند در شهرها این مسافرت را انجام داده و لذا باید جستجوهای لازم را بکنند که به کدام نقطه از کشور فرار کرده و با کمک مامورین دیگر شهرها به پیدا کردن محل اخفا برسند. تعدادی از مجرمین با دیگر کشورها آمد و رفت دارند و بنابراین در چنین مواردی به محض این که اطلاعاتی داشتند که امکان خارج شدن از مرزها را دارند باید سعی کنند از خروج وی از کشور جلوگیری نمایند و اگر خارج شده باشند فوراً از طریق پلیس بین الملل اقدامات لازم را معمول دارند. (مدنی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۴)

اگر متهم فرار کند یا مخفی شود تحقیقات مقدماتی مختل می شود زیرا اگر چه امر تعقیب و تحقیق، مستلزم حضور متهم نیست اما حضور وی تاثیر بسزایی در در کشف جرم دارد و فرار متهم آثار سوئی به همراه دارد از جمله این که: بر صدمات و تالعات روحی قربانیان جرم می افزاید؛ هزینه های زیادی را برای کشف جرم مصروف خود می سازد؛ فرصتی برای متهم فراهم می شود که برای فرار از قانون و عدالت و به طراحی و نقشه ریزی بپردازد.

دستگیری افراد در صورتی جایز است که قرائن و امارات برای انتساب جرم به آنان وجود داشته باشد بنابراین نمی توان با شک و شبهه ضعیف، مبادرت به دستگیری و بازداشت افراد نمود.

همچنین ماده ۷۷ قانون فوق الذکر بیان می دارد؛ در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بند های (الف-ب-پ-ت) ماده ۳۰۲ این قانون تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان برای حفظ آثار و علائم، جمع آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدامات لازم را به عمل می آورد.

پیش بینی و چنین تدبیری از سوی قانونگذار برای دادستان در حفظ و جمع آوری دلایل در جرایمی که تحقیقات مقدماتی آنها در صلاحیت وی نمی باشد نشانگر اهمیت اصل سرعت در حفظ و جمع آوری دلایل اولیه جرم و ایجاد وظیفه برای دادستان در این مورد موارد می باشد و لیکن ادامه رسیدگی در صورتی که به بازپرس دسترسی نباشد را از وظیفه دادستان خارج و برابر تبصره ماده ۹۲ بر عهده دادرس دادگاه گذاشته است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۶-۴ - رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور دادستان در اخذ ضبط تامین کیفری

از آنجایی که در طول تحقیقات مقدماتی در رابطه با کشف جرم، بازجویی از متهم و تا زمانی که احتمال وقوع جرم توسط وی قطعی نگردیده است، ولی دلایل انتصاب جرم، به وی متحمل می باشد، دادستان یا بازپرس به منظور حفظ آثار جرم، ادله، جرم، جلوگیری از امحای دلایل، فرار متهم یا شرکا و یا معاونین او و همچنین برای حفظ حقوق مالی و جبران خسارت و آسیب های وارده به بزه دیده که به جهت اعمال مجرمانه بزهکار حاصل گردیده است مقامات قضایی دادسرا با توجه به جرم ارتكابی اقدام به اخذ تامین کیفری متناسب با اوضاع و احوال جرم و میزان خسارات مالی از متهم تا تعیین تکلیف تحقیقات مقدماتی می نمایند.

یکی از رایج ترین قرار های تامین کیفری که متهم با توجه به حفظ حقوق مالی بزه دیده و جلوگیری از فرار او که ممکن است منجر به عدم امکان دسترسی برای جبران مطالبات مالی بزه دیده شود، اخذ می گردد، قرار کفالت و وثیقه می باشد. هر گاه بعد از اخذ و اجرای این قرار ها متهم حاضر نشود و فرار نماید دادستان از طریق ضبط وثیقه و یا وجه الكفاله اقدام به تامین خسارت مالی بزه دیده و یا حقوق دولت می نماید.

اگر چه با وجود موجبات ضبط وثیقه و وجه الكفاله به دستور دادستان اقدامات لازم جهت ضبط وثیقه و وجه الكفاله انجام می گیرد ولی با این وجود به متهم، کفیل و یا وثیقه گذار این حق داده می شود که بنا به دلایلی که در ماده ۲۳۵ آمده است نسبت به قرار ضبط وثیقه و وجه الكفاله اعتراض نماید.

ماده ۲۳۵ بیان می دارد:

متهم، کفیل و وثیقه گذار می توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان درباره اخذ وجه التزام، وجه الكفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند، مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است.

الف: هر گاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه الكفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوطه رعایت نشده است.

ب: هر گاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده اند یا شخص ثالثی متهم حاضر کرده است.

پ: هر گاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۷۸) این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود با کفیل و وثیقه گذار به یکی از آن جهات نتوانسته است متهم را حاضر کنند.

ت: هر گاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده اند.

ث: هر گاه کفیل یا وثیقه گذار مدعی شوند، تسلیم متهم، به علت فوت او در مهلت مقرر ممکن نبوده است.

پس از آنکه متهم احضار یا حاضر نگردید، با ابلاغ اخطاریه واقعی و یا قانونی به کفیل یا وثیقه گذار بنا به دستور دادستان نسبت به ضبط وثیقه و وجه الكفاله اقدام می شود. در نتیجه کفیل یا وثیقه گذار می تواند تا ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به تصمیم دادستان به دادگاه کیفری دو و یا نسبت به دستور رئیس یا دادرس دادگاه عمومی بخش (در مواردی که به جانشینی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از دادستان انجام وظیفه می کند) به دادگاه کیفری دو نزدیکترین شهرستان آن استان شکایت نماید . تصمیم دادگاه کیفری دو مزبور در زمینه ی اعتراض به ضبط وثیقه و وجه الكفاله قطعی خواهد بود .

ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می دارد : دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد .

دادگاههای کیفری دو ، براساس نوع جرایم ، بعد از اتمام مراحل پرونده در دادسرا و صدور قرار جلب دادرسی ، با ارجاع رئیس شعبه ی اول به پرونده ها با تعیین وقت رسیدگی نموده و تصمیم مقتضی اتخاذ می نمایند .

۶-۵- فوریت در تحقیقات و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان

یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری، مساله آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال است. طبع و روحیه خاص اطفال و نوجوانان ایجاب می کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روش ها و واکنش های متناسب برای اصلاح آنها و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد.

از ابتکارات ق.ا.د.ک جهت حفظ حقوق متهم پیش بینی و تجویز دادسرا و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان و پرونده شخصیتی برای آنها در جهت حفظ حقوق متهم می باشد. مطابق ماده ۲۸۵ این قانون، در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه اطفال به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود.

تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال، به جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. برابر تبصره ۱ ماده مزبور تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. و دادگاه مزبور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است، انجام دهد.

مطابق تبصره ۲ ماده ۲۸۵ در جرایم مشهود، هر گاه مرتکب طفل آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند، انقضا وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست. همچنین الزامی بودن تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر موارد مذکور در ماده ۳۰۲ این قانون، در جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ برابر ماده ۲۸۶ قانون مزبور و نیز صدور قرار نگهداری موقت از اطفال (تبصره ذیل ماده ۲۸۷) در همین رابطه است.

رسیدگی به فوریت در تحقیقات و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان باید خارج از نوبت باشد؛ زیرا هر گونه تاخیر در رسیدگی و طولانی شدن فرآیند کیفری می تواند آثار و تبعات مخربی بر اطفال داشته باشد. زیرا که وضعیت و موقعیت خاص آسیب پذیری دارند، و ممکن است در اثر طولانی شدن در معرض آسیب های روانی و عاطفی قرار بگیرند. لذا باید رسیدگی به این جرایم خارج از نوبت باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می توان گفت که هدف قانونگذار از حمایت از اطفال به واسطه آسیب پذیر بودن آنان بوده است. طبق ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جز جرایم موضوع ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد. در دادرسی به عمل می آید. به عبارتی طبق این تمامی افراد زیر ۱۵ سال و جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ و جرایم مربوط به زنا و لواط ۳۰۶ و سایر جرایم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه اطفال رسیدگی می شود.

۶-۶- فوریت رسیدگی به جرایم علیه احساسات عمومی

احساسات عمومی یکی از مهمترین و البته بحث برانگیزترین مفاهیم و معیارهای مطرح در حوزه ی فلسفه ی اخلاق و سیاست و حقوق است. احساسات عمومی عبارت است از احساساتی که فرد فی النفسه به خاطر آن که عضو یک جمع یا کلیت سیاسی است، واجد آن می گردد. از احساسات عمومی می توان به مصلحت عمومی هم یاد کرد. در واقع مصلحت عمومی به تعدیل مصلحت ها و احساسات فردی، به گونه ای که بهترین نتیجه را برای جمع به دنبال داشته باشد، مربوط است.

احساسات عمومی زمانی موضوعیت می یابد که بپذیریم بالاتر از مصلحت خصوصی افراد، مصلحت کلی تری وجود دارد. چنین تصویری ضرورتاً به اقتدار گرایی یا غفلت از مصالح جزئی نمی انجامد زیرا این دو قابل جمع هستند و می توان بین این دو سازش برقرار کرد.

در جرم انگاری براساس احساسات عمومی و مصلحت، محدود کردن آزادیهای فردی به منظور حفظ و حراست از منافع جمعی مورد نظر است. بر این اساس به نظر می رسد سیاست جنایی براساس احساسات و خیر عمومی باید در پی تقویت کرامت انسانی باشد.

در جرایم علیه احساسات عمومی و جرایمی که به جامعه لطمه وارد می کند به دلیل حساسیتی که برای جامعه دارند، باید بر جرایم فردی ترجیح داده شود. بنابراین باید فوراً به اینگونه جرایم رسیدگی شود به همین دلیل قانونگذار در این گونه جرایم تاکید به رسیدگی فوری و خارج از نوبت دارد.

تبصره ماده ۴۴۹ در این خصوص بیان می دارد:

به جرایمی که موجب جریحه دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست دادستان صادر کننده کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدید نظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می شود.

همچنین ماده ۴۶۶ بیان می دارد:

شعب دیوان عالی کشور به نوبت به پرونده ها رسیدگی می کنند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت مقرر باشد یا در جرایمی که به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور موجب جریحه دار شدن احساسات عمومی شود و رسیدگی خارج از نوبت ضرورت داشته باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتیجه گیری

منظور از فوریت قضایی، رسیدگی خارج از نوبت، نوعی از رسیدگی است که در آن اولاً سرعت، ثانیاً عدم ورود به ماهیت موضوع و ثالثاً حذف تشریفات در آن اصل است. ملاک فوریت، خطری است که حق صاحب دعوی را تهدید می کند. به نحوی که هر گاه فوراً آن حق حفظ نشود و به آن حق رسیدگی نشود، جبران آن در آتی غیر ممکن یا متعذر باشد. در واقع الزام قانونی و تکلیف قضایی برای رسیدگی به برخی از پرونده‌ها مثل جریحه دار شدن احساسات عمومی و پرونده‌هایی از این قبیل در خارج از نوبت بوده و تعیین تکلیف متهمان و برخی پرونده‌ها در ایام تعطیل و ساعات غیر اداری توسط قاضی کشیک می باشد. این پرونده‌ها باید خارج از نوبت و هر چه سریعتر رسیدگی شوند. در این پرونده‌ها باز پرس باید هر چه سریعتر در جمع آوری دلایلی که موجب ثبوت جرم است تلاش کند و علائم جرم را شناسایی کند.

منابع و ماخذ

- ادریسیان، محمدرضا، دستور موقت، انتشارات ققنوس، تهران،
- اسماعیلی علی، ضابطین دادگستری (چالش‌ها و راه حل) انتشارات جالیز، خراسان رضوی ۱۳۹۹، چاپ دوم
- باقری نژاد، زینب، اصول دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات خرسندی، تهران ۱۳۹۴
- تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، نشر میزان، تهران ۱۳۹۲
- جلیلوند، یحیی، پرتو، حمیدرضا، ۱۳۹۸، دادرسی‌های فوری و رسیدگی خارج از نوبت، انتشارات دادگستر، تهران
- چکهندی نژاد علی و کریم زاده امیر، نقش قاضی کشیک در رعایت حقوق متهم بازداشت شده، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹
- شمس عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، انتشارات دراک، پاییز ۱۳۹۱
- شیری، عباس، رفتار کرامت مدار با بزه دیدگان و دادخواهی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۴، ۱۳۸۶
- فتحی بدیع و زارع ابراهیم، شرح آیین دادرسی کیفری (مواد ۱ تا ۶۳)، انتشارات دادگستری کل استان تهران، ۱۴۰۰
- مدنی، جلال الدین، آیین دادرسی ۱ و ۲، انتشارات پایدار، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۰
- مردانی نادر، آیین دادرسی مدنی جلد دوم، تهران نشر میزان ۱۳۸۹
- معاونت آموزش قوه قضاییه، مرکز تحقیقات فقهی، ضابطین دادگستری، تکالیف و مسئولیتها، واحد تهیه و تدوین متون آموزشی، ۱۳۸۵
- معین محمد، فرهنگ فارسی، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هدایتی چنانی رحمان، تحت نظر بودن متهم توسط ضابطین نظامی در جرایم مشهود، در پرتو آیین دادرسی کیفری و قوانین نیروهای مسلح، مجله الکترونیکی قانون یار، شماره ۱۲، ۱۴۰۰